

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۲ مارچ ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

دولت مذهبی زن‌ستیز، ننگی برای مردم یک کشور

هر دولت دینی در ذات خود یک رژیم استبدادیست که با آزادی مردم و حقوق دموکراتیک آن‌ها دشمنی آشفتنی‌ناپذیر دارد. هر دولت دینی مبلغ و مروج تبعیض، نابرابری و ستمگری در عریان‌ترین شکل آن است. رسواترین نوع این دولت دینی نیز دولت‌های اسلامیست. لذا تعجب‌آور نیست که در سراسر جهان، دولت‌های اسلامی از قماش جمهوری اسلامی ایران و رژیم عربستان سعودی، نمادهای شاخص ستمگری، نابرابری و تبعیض نسبت به زنان باشند.

روز سه‌شنبه این هفته، ۸ مارچ، روز جهانی زن بود در این روز، زنان کشورهای مختلف جهان با برپایی تجمعات، راهپیمایی، تظاهرات، جشن و سرور، روز جهانی زن را گرامی داشتند و اعتراض خود را به هر گونه تبعیض، نابرابری و ستم جنسی و طبقاتی ابراز داشتند.

رژیم اسلام‌گرای زن‌ستیز حاکم بر ایران که سر تا پای موجودیتش با تبعیض و ستمگری نسبت به زنان گره خورده است، از وحشت اعتراض و مبارزه زنان در این روز، نیروهای سرکوب خود را به حالت آماده‌باش درآورد. گله‌های پولیس، واحدهای ضد شورش، مزدوران وزارت اطلاعات، خیابان‌های شهرهای بزرگ را به اشغال خود درآوردند، تا مانع از راهپیمایی و تظاهرات زنان در این روز گردند. با این وجود، گروه‌هایی از زنان و مردان آزادی‌خواهی که از برابری حقوق زن و مرد دفاع می‌کنند، در تعدادی از شهرهای ایران به خیابان‌ها آمدند، تا به مرتجعین اسلام‌گرای حاکم بر ایران نشان دهند که حتا زیر شدیدترین فشار و سرکوب، دست از مبارزه علیه تبعیض و نابرابری برنمی‌دارند. بر طبق گزارشات انتشار یافته، در بابل، شیراز، اصفهان کردستان و تهران، مراسم روز جهانی زن برگزار گردید. در تهران، گروه‌هایی از مردم در خیابان‌های آزادی، نواب، امیرآباد، فاطمی، بلوار کشاورز، ولی‌عصر، توحید، تجمعات پراکنده‌ای برپا نمودند که مورد یورش گله‌های ضد شورش قرار گرفتند. مزدوران پولیس و وزارت اطلاعات تعدادی از مردم را دستگیر نمودند. رئیس کل دادگستری استان تهران، روز چهارشنبه، در پاسخ به سؤال خبرنگاران در مورد تعداد دستگیرشدگان روز جهانی زن، گفت: آمار دقیقی نداریم.

این سؤال را باید از دادستان پرسید.

این که به رغم لشکرکشی رژیم برای جلوگیری از تجمعات اعتراضی در ۸ مارچ، رژیم ناگزیر می‌شود اعتراف کند، این تجمعات و اعتراضات انجام گرفته و تعدادی نیز دستگیر شده‌اند، دلیل روشنی بر شکست سیاست‌های سرکوبگرانه و مرعوب‌کننده جمهوری اسلامی برای مهار اعتراضات توده‌نیست. این اعتراضات متوقف نخواهد شد. بالعکس، مردم ایران تلاش می‌کنند با اشکال و تاکتیک‌های مبارزاتی جدیدی که خنثاکنده تاکتیک‌های سرکوبگرانه رژیم‌اند، به مبارزه خود ادامه دهند. مردم ایران می‌بینند که چگونه اعتراضات و قیام‌های توده‌نی در منطقه، رژیم‌های دیکتاتوری و سرکوبگر را به زانو درمی‌آورد. می‌آموزند که باید از تمام اشکال مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی استفاده کنند. آنچه که اکنون در لیبی می‌گذرد، نشان می‌دهد که وقتی دیکتاتورها مقاومت می‌کنند، باید با زور اسلحه آن‌ها را از قدرت به زیر کشید. تمام آنچه که اکنون در شمال آفریقا و خاورمیانه می‌گذرد، درس‌های مهمی برای مردم ایران دارد که باید از آن‌ها بیاموزند و با بهره‌گیری از تمام این تجارب، رژیم فوق ارتجاعی و ستمگر جمهوری اسلامی را سرنگون کنند.

رژیمی که نیمی از جمعیت ایران را از ابتدائی‌ترین حق انسانی محروم نموده و زن را از نظر حقوقی نیز با مرد برابر نمی‌داند، رژیمی که زن را ناقص‌العقل می‌داند و نصف مرد، ننگی نه فقط برای مردم ایران، بلکه برای تمام بشریت است. برای این رژیم جایی مناسب‌تر از زباله‌دانی تاریخ نیست. مردم ایران هر چه سریع‌تر این رژیم فاشیست زن‌ستیز را براندازند، زودتر، این ننگ را از دامان خود پاک کرده‌اند که در دوران بزرگترین تحولات نظری، سیاسی و علمی بشریت، در ایران رژیمی حاکم است که زن را پست‌تر از مرد می‌پندارد و وحشیانه‌ترین تبعیض و ستم‌گری را نسبت به زنان اعمال می‌کند. جمهوری اسلامی که یک دولت مذهبی اسلامیست، در ذات خود، دشمن آشتی‌ناپذیر برابری زن و مرد است. این رژیم را از بیخ و بن باید برانداخت. تمام کسانی که جز این می‌اندیشند، جز یک مشت مرتجع طرفدار نابرابری زن و مرد نیستند. چرا که فقط در جایی که دین و دولت از یکدیگر جدا شده باشند، در جایی که دولت دیگر مذهبی و اسلامی نباشد، می‌تواند برابری حقوق زن و مرد به رسمیت شناخته شود. رادیکال‌ترین، همه‌جانبه‌ترین و کامل‌ترین برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد نیز، تنها در یک حکومت شورائی می‌تواند محقق گردد که در آن نه فقط دین و دولت از یکدیگر کاملاً جدا شده‌اند، بلکه در راستای تحقق اهداف سوسیالیستی‌اش، برای برانداختن ستم طبقاتی، رهائی کامل و همه‌جانبه زن را به ارمغان خواهد آورد.

راه نجات زنان از هر گونه تبعیض، نابرابری و ستم، در برانداختن جمهوری اسلامی، استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان و سوسیالیسم است.

برکناری رفسنجانی و پیام تسلیت سربازان گمنام امام زمان

برکناری هاشمی رفسنجانی از ریاست مجلس خبرگان جمهوری اسلامی، یکی از تحولات سیاسی درونی رژیم در این هفته بود. روز سه‌شنبه، آوندهای کله‌گنده رژیم جمهوری اسلامی که عضو مجلس خبرگان هستند، در تهران گرد آمدند تا اجلاس دوره‌ای خود را برگزار کنند. اگر آن‌ها به طور معمول کار خاصی جز گپ زدن، خوردن و نوشیدن در این جلسات ندارند، این بار، وضع کمی متفاوت بود. از اتاق فرمان، که منظور، همان دفتر مقام معظم دیکتاتوریست، اشاره شده بود که اکنون زمان آن فرا رسیده است، علمای بلاد همت کنند و صندلی را از زیر پای رفسنجانی بکشند و او را نقش بر زمین کنند. سربازان ولایت هم که از مدت‌ها پیش برای فرا رسیدن چنین روزی

لحظه شماری می کردند، شادمان از این فرمان، به تکاپو برای انجام این مأموریت برخاستند. در تدارک اجرای این وظیفه، با معضل جایگزین روبرو شدند. اولاً، باید این فرد کاملاً نوب در ولایت باشد، مطیع و فرمان بردار. ثانیاً، سوابقی در پرونده اش بر سر اصلاحات و این حرف ها نباشد. ثالثاً فردی باشد که حتا طرفداران هاشمی هم نتوانند با ریاست وی مخالفت کنند.

هر چه گشتند، مناسب تر از شیخ محمد یزدی نیافتند. اما این شیخ، تمام شرایط لازم را دارا بود، الا این که با مخالفت جدی طرفداران رفسنجانی روبرو می شد و بلوایی به راه می افتاد. لذا به چاره اندیشی پرداختند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که این نقل و انتقال احتیاج به یک محلل دارد و آن هم کسی جز کئی نمی تواند باشد. مشکل اما این بود که کئی حتا نای راه رفتن تا پای کرسی ریاست هم ندارد، تا چه رسد به ریاست ولو موقت. این مشکل را هم به این طریق حل کردند که او را هر طور شده یک بار بر صندلی ریاست بنشانند و پس از آن، دیگر نیازی به حضور وی نخواهد بود. همین اتفاق هم افتاد. روز نخست اجلاس او را بر سر دست به جلسه آوردند و بر کرسی ریاست نشاندند. پس از آن هم دیگر از وی خبری نبود و رئیس واقعی که همانا شیخ محمد یزدی بود و به عنوان معاون اول برگزیده شده بود، ریاست مجلس خبرگان را بر عهده گرفت. دوران ریاست رفسنجانی خاتمه یافت.

آنچه که در این جا رخ داد، پیشاپیش روشن بود. نه فقط از آن رو که رقبای رفسنجانی از یکی، دو هفته پیش پنهان نمی کردند که خواهان برکناری وی از ریاست مجلس خبرگان هستند، بلکه این برکناری ادامه روندی است که از نخستین دوره زمامداری احمدی نژاد برای کنار زدن و محدود کردن روزافزون جناح موسوم به اصلاح طلب و طرفداران رفسنجانی به عنوان خط میانه دو جناح، از ارگان ها و نهادهای جمهوری اسلامی آغاز گردید و ادامه یافت. بحران های لاینحل جمهوری اسلامی و شکست راه حل های تمام گروه ها و جناح های طبقه حاکم، راه دیگری در برابر رژیم، جز تشدید سرکوب و اختناق و حتا تسویه حساب درونی با هر گونه مخالفت درونی باقی نگذاشته است. جمهوری اسلامی اکنون در شرایطی قرار گرفته که حتا مرتجعینی امثال هاشمی رفسنجانی را که از پایه گذاران رژیم دیکتاتوری و اختناق حاکم بر ایران است و جنایات بی شمار او علیه مردم ایران در دفاع از جمهوری اسلامی بوده است، نمی تواند تحمل کند. امثال رفسنجانی مهره هایی هستند که در شرایط دیگری می توانستند به رژیم استبدادی اسلامی و نظم سرمایه داری حاکم خدمت کنند، اما اکنون دیگر رژیم نیازی به آنها ندارد.

هاشمی رفسنجانی که در طول چندین ماه گذشته نیز، در شرایطی که مردم ایران به مبارزه آشکار و تعرضی علیه جمهوری اسلامی برخاسته اند، مکرر سرسپردگی اش را به خامنه ای، این دیکتاتور منفور ابراز داشته بود، در آخرین نطق دوران ریاستش بر مجلس خبرگان، به ستایش از خامنه ای این دیکتاتور منفور و بی رحم برخاست، او را "پدر همه" نامید، تا شاید بار دیگر مشمول لطف و عنایت خامنه ای گردد. اما رقیبان او، بی اعتناء به این التماس و درخواست، او را از صندلی ریاست به زیر کشیدند و سربازان هکر امام زمان نیز متنی را در سایت مجلس خبرگان قرار دادند که بر روی آن نوشته شده بود: "انالله و انالیه راجعون، هیئت رئیسه و اعضای مجلس خبرگان رهبری، در کمال بهت و اندوه و تألم بسیار، رحلت حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی (رحمت الله علیه) را به پیشگاه مقام معظم رهبری، ملت شریف ایران و بیت ایشان تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم، علو درجات را مسئلت می نماید." با این پیام تسلیت، مجلس خبرگان به اجلاس دو روزه خود پایان داد.

از مبارزات و مطالبات کارگران پتروشیمی تبریز بیاموزیم

اعتصابات و اعتراضات کارگری یکی از مهمترین رویدادهای این هفته بود. ۱۴۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز از روز شنبه ۷ [حوت] اسفند در اعتصاب به سر می‌برند. روز شنبه ۱۴ اسفند کارگران سه کارخانه کاشی و سرامیکسازی در میبد با تجمع در مقابل دانشگاه آزاد خواستار پرداخت دستمزد و مزایای معوق خود شدند. با پیوستن دانشجویان به صفوف کارگران، این تجمع به تظاهرات حول شعار "کارگر، دانشجو، اتحاد، اتحاد"، "مرگ بر دیکتاتور" تبدیل گردید. این کارگران، یک روز قبل از آن نیز جاده میبد - اردکان و یزد را مسدود کرده بودند. همزمان با سفر احمدی‌نژاد به شیراز، کارگران مجتمع صنعتی گوشت فارس که اکنون چندین ماه در بلاتکلیفی به سر می‌برند و حقوق و مزایای آن‌ها پرداخت نشده است، بار دیگر با شعار ما همچنان گرسنه‌ایم در نزدیکی محل سخنرانی احمدی‌نژاد تجمع کردند. پیش از این، کارگران بارسیلون نیز در جریان سفر احمدی‌نژاد به لرستان، در حالی که بر پلاکاردهای خود نوشته بودند، "ما گرسنه‌ایم"، اعتراض خود را به بیکاری و گرسنگی ابراز داشته بودند.

در همین هفته، ۵۰۰ نفر از معلمان زن که چندین ماه، حقوق و مزایای آن‌ها به تعویق افتاده است در تهران، تجمع اعتراضی برپا نمودند. تمام این اعتراضات، بیانگر وضعیت اسفباری است که توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران با آن روبرو هستند. شرایطی که حتی حقوق و دستمزد مردم کارگر و زحمتکش پرداخت نمی‌گردد و آن‌ها در فقر و گرسنگی به سر می‌برند.

از میان این اعتراضات، اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز که حدود دو هفته به طول انجامیده است، از یک ویژگی برخوردار است که باید بر روی آن تأکید شود. ۱۴۰۰ کارگری که در پتروشیمی تبریز به اعتصاب متوسل شده‌اند، کارگران قراردادی هستند. کارگران با آگاهی بر این مسأله که کارگران باید به استخدام رسمی درآیند و از حق انعقاد قرارداد مستقیم و دسته‌جمعی، بدون واسطه شرکت‌های پیمانکاری، برخوردار باشند، خواهان حذف پیمانکار و حق کارگران به انعقاد قرارداد مستقیم و دسته‌جمعی شده‌اند. کارگران که در عمل دیده‌اند و عده و وعید مدیران و سرمایه‌داران، جز وعده‌های توخالی نبوده است، اکنون با وجود تهدید و وعده‌های جدید به اعتصاب خود تا رسیدن به مطالباتشان ادامه داده‌اند. مدیریت پتروشیمی تبریز هم برای در هم شکستن اعتصاب کارگران تلاش نمود از کارگران پالایشگاه تبریز و پتروشیمی‌های مناطق و شهرهای دیگر با پرداخت روزی صد هزار تومان، به عنوان اعتصاب‌شکن استفاده کند. اما با شکست روبرو گردید. کارگران پالایشگاه تبریز و پتروشیمی‌های جنوب، با رفقای خود در پتروشیمی تبریز اعلام همبستگی نمودند و این نیرنگ سرمایه‌داران را نپذیرفتند که به عنوان اعتصاب‌شکن، به رفقای کارگر خود لطمه بزنند. درود به کارگرانی که به این سطح از آگاهی رسیده‌اند که فریب رشوه سرمایه‌داران را نخورند و اتحاد و همبستگی خود را در جریان مبارزه حفظ کنند. کارگران سراسر ایران باید از اتحاد و همبستگی کارگران پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها بیاموزند. هیچ کارگری هرگز نباید نقش اعتصاب‌شکن را بر عهده بگیرد. علاوه بر این، کارگران پتروشیمی تبریز، به کارگران سراسر ایران می‌آموزاند که مبارزه خود را برای حذف شرکت‌های پیمانکاری، برخورداری از حق انعقاد قرارداد دسته‌جمعی، و استخدام رسمی تشدید کنند. از مبارزات کارگران پتروشیمی تبریز بیاموزیم.

قبوض گاز و برق را پرداخت نکنیم و دولت را وادار به عقب‌نشینی نماییم

نتایج فاجعه‌بار طرح دولتی آزادسازی قیمت‌ها برای توده‌های وسیع مردم ایران، تازه نخستین نشانه‌های خود را آشکار می‌سازد. گران شدن بسیاری از کالاها و خدمات در همین مدت کوتاه، فقط مقدمه‌ایست بر جهش بهای کالاها و خدمات در سال آینده. اما آن‌چه که از هم اکنون بهت و حیرت همگان را برانگیخته و اعتراضات وسیعی را در پی داشته، دریافت اولین سری قبض گاز است که گاه هزینه‌های یک خانوار را از این بابت در هر ماه به ده برابر افزایش داده است. خبرگزاری دولتی مهر، گزارش می‌دهد "که با صدور اولین قبوض گاز مشترکان، پس از هفتمندسازی یارانه‌ها انتقادهای وسیعی نسبت به محاسبه گاز بهای مشترکان خانگی مطرح شد، به طوری که برخی از مشترکان خانگی نسبت به صدور قبوض چند صد هزار و حتا ملیونی قبض‌های گاز شوکه شده‌اند." وقتی که یک خبرگزاری دولتی از شوکه شدن مردم سخن می‌گوید، روشن است که ابعاد اعتراض مردم و فشاری که این هزینه‌های کلان بر دوش آن‌ها قرار داده، تا چه حد است. در پی اعتراضات مردم، شرکت ملی گاز ایران با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که خطای انسانی در محاسبه گاز بهای مشترکین تأثیری نداشته و علت چند برابر شدن هزینه مصرف گاز را عدم رعایت الگوی مصرف اعلام نمود. مدیر عامل شرکت ملی گاز، با حضور در جمع خبرنگاران در پی توجیه مسأله برای آرام کردن مردم برآمد و ادعا کرد، علت چند برابر شدن هزینه‌های مردم فصل زمستان بوده است. وی در عین حال ادعا کرد که افزایش قبوض، بین ۱۱ تا ۷۳ هزار تومان بوده است. در حالی که خبرگزاری‌های رژیم از افزایش صدها هزار تومانی برخی از قبوض مشترکان خبر می‌دهند. اظهارات مدیر عامل شرکت ملی گاز نتوانست مردمی را که با قبوض چند برابری روبرو شده‌اند، قانع کند. اعتراضات بر سر این مسأله همچنان رو به افزایش است. گروهی از مردم ایران از پرداخت مبالغ تعیین شده در این قبوض سر باز زده و قادر به پرداخت این هزینه‌های کلان نیستند. توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران نمی‌توانند هر ماه مبالغ کلانی از بابت مصرف گاز و برق بپردازند. راهی که در برابر آن‌ها قرار گرفته است، پرداخت نکردن این قبض‌هاست. راه مقابله فوری با این سیاست ارتجاعی دولت در همین است که این قبوض پرداخت نشود. اگر عموم مردم از پرداخت قبوض خودداری کنند، رژیم راه دیگری جز این نخواهد داشت که بهای گاز و برق را کاهش دهد. گروهی از مردم نیز از سر ناگزیری، بدون استفاده از کنتور، که متضمن خطرات جانی برای آن‌ها هست، انشعابات مستقیم از لوله‌های گاز ایجاد کرده‌اند. مسؤول هر اتفاقی برای مردم نیز دولت است که هزینه‌های مصرف گاز خانگی را به چند برابر افزایش داده است. مدیر عامل شرکت ملی گاز به عدم پرداخت قبوض و انشعابات غیر مجاز نیز اشاره کرد و تهدید نمود که گاز این مشترکان قطع می‌شود. اما مردم نباید این تهدیدها را جدی بگیرند. باید با زورگوئی دولت مقابله کرد و رژیم را مجبور کرد افزایش بهای گاز و برق را ملغاء اعلام نماید. راه و چاره فوری این مسأله نیز پرداخت نکردن قبوضیست که هم‌اکنون اولین سری آن رسیده است.